

شش نکته رازگشای اولیه برای فهم آنتوان برمن

مهدی فرخی^۱

استادیار زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

چکیده

این مقاله که با هدف «رازگشایی» یا بهتر بگوییم ابهام‌زدایی درباره‌ی آراء و عقاید آنتوان برمن، نظریه‌پرداز صاحب‌نام معاصر فرانسوی، در زمینه‌ی دانش نوپای ترجمه‌شناسی نوشته شده است، قصد دارد تا خواننده را با شیوه‌ی درست خوانش و دریافت بهتر آثار و اندیشه‌ی او یاری کند. نگارنده که سال‌های زیادی را وقف «فهم» جان آثار او کرده است، بر این باور است که خواننده بدون تأویل و تفسیرهای «رازگشا»، که در این گفتار فعلاً به شش مورد آن بسنده شده است، در رویارویی با آثار این اندیشمند ترجمه گرفتار یک دریافت سطحی می‌شود و آنچه را که منظور نظر برمن بوده است، حاصل نخواهد کرد. خام خیالی است اگر گمان کنیم آنتوان برمن شیوه‌نامه‌ای مدون برای ترجمه به مترجم ارائه می‌دهد تا یک اثر را از زبانی به زبان دیگر برگرداند. از این روگاهی با توجیهاتی از سوی خواننده‌ی این آثار روبرو می‌شویم که با این رویکرد حاصلی جز ناکامی نخواهد داشت. فهم دنیای پررمز و راز و لایه‌لایه آنتوان برمن نیاز به دانستن جان جان تفکر او دارد. به همین منظور این مقاله ضمن استناد به سخن معاصرین و کسانی که او را نقد و تأویل کرده‌اند، شش کلید «رازگشا» به خواننده ارائه می‌دهد تا با مطالعه و تطبیق این نکات بتواند به درک درست‌تری از آثار او برسد. این شش نکته به صورت فشرده عبارتند از: ۱- تکیه بر یک طرح کلی یا (پروژه)؛ ۲- استعاری بودن زبان برمن؛ ۳- فیلسوف بودن برمن؛ ۴- باور به مقطع و تکه‌تکه بودن زبان؛ ۵- داشتن روحیه‌ی رمانتیک؛ ۶- داشتن دغدغه مذهبی. بی‌شک، ورود به دنیای برمن به دانستن این شش نکته خلاصه نمی‌شود و به شناخت عناصر دیگری نیز نیازمند است که می‌تواند موضوع مقالات مکمل دیگری باشد.

کلیدواژه‌ها: ترجمه‌شناسی، آنتوان برمن، پروژه، بازخوانی، رازگشایی.

مقدمه

امروزه در حوزه دانش نوپای ترجمه‌شناسی نام آنتوان برمن^۱ به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان مهم این عرصه مدام شنیده می‌شود. مترجم و فیلسوفی که علاوه بر پیچیدگی اندیشه، مرگ زود هنگامش نیز درک دقیق آراء او را دیرباب تر کرده است.

اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم نام او اساساً با سه کتاب معروفش یعنی *تجربه بیگانه*^۲، *ترجمه جزء یا بیتوته در دوردست*^۳، *به سوی نقد ترجمه‌ها: ژن دن گره خورده است*. اما رجوع به این کتاب‌ها برای مترجمی غیرحرفه‌ای که از یک نظریه‌پرداز انتظار ارائه راه‌حلی عملی برای ترجمه را دارد، کارگشا نیست. در همین راستا، نظر میشل وُلگویچ^۴، مترجم پیشکسوت فرانسوی را که به ترجمه آثار معاصر یونانی شهره است در رابطه با «تئوری»‌های او می‌گوید: «آنچه که تعجب‌برانگیز است، این است که تقریباً هیچ‌کس در میان ما مترجمان، از تئوری‌های برمنی دفاع نمی‌کند؛ اما ما از او با احترام صحبت می‌کنیم - با احترام و بی اشتیاق» (1) (Volkovitch, 2003-2008).

کتاب *تجربه بیگانه* هم که در سال ۱۹۸۴ توسط انتشارات پرآوازه گلیمر^۵ چاپ می‌شود و ورود برمن را به صحنه تفکر و روشنفکری فرانسه تثبیت می‌کند هیچ‌گونه راه‌حلی عملی به مترجم ارائه نمی‌دهد. مایوس‌کننده‌تر اینکه خواندن این کتاب به‌غایت انتزاعی و دشوارآغازی است برای دعوت به بازخوانی‌های دیگر که گویی پایان‌ناپذیرند. سخن یکی از خوانندگان کتاب *تجربه بیگانه* شنیدنی است: «این کتاب حامل اندیشه غنی، درهم‌تنیده و سخاوتمندانه، تمثیلی از استحکام نظری، تفکر انتقادی، و دری گشوده به سوی آن «دیگری» است که خواننده نام دارد. این کتاب سروشی که محصول دانشی ناب است و فروتنی‌اش در جستجوی واقعیت، هیچ‌گاه در مقابل فضل‌فروشی میدان خالی نکرده است و تمامیت قدرت و اقتضای خود را حفظ نموده است باید دوباره خواند و دوباره اندیشید» (Mallet, 1995: 279). می‌بینیم که توصیفات آمده در این نقل قول نه تنها بر لزوم نیاز به دوباره خوانی اثر برمن تأکید می‌کند بلکه بیانگر فاصله بعید این تفکر با ظاهر عام و معمولی ترجمه می‌باشد؛ همان نکته‌ای که مترجم با

نیت دستورالعمل مدون برای ترجمه به سراغ برمن می‌رود اما با کج روی یا دلسردی مواجه می‌شود.

حقیقت این ادعا که اثر برمن نیاز به بازخوانی دارد زمانی بیشتر دریافت می‌شود که فیلسوف معاصر و هم‌وطن او پل ریگر^۷ که در جستجوی «چرایی ترجمه دوباره آثار بزرگ کلاسیک فرهنگ جهان» بوده، می‌گوید: «برمن را عمیقاً باز خوانی کرده‌ام.» (Ricoeur, 2004: 15). پس اثری که درک آن حتی اندیشه‌ورز توانا و صاحب‌نامی مثل ریگر را به بازخوانی دعوت می‌کند باید از ژرفای زیادی برخوردار باشد و در نتیجه حساسیت بیشتری را از جانب خوانندگان دوروزدپکش بطلبد و اینکه خوانشی سطحی، بی شک دامی بزرگ در فهم تفکر آنتوان برمن است. ضرورت و تأیید این واقعیت که اثر او به بازخوانی‌های مکرر نیازمند است از زبان خود او هم شنیدنی است: «همواره باید تلاش کرد تا به شیوه‌ای نوشت که میل به بازخوانی اثرتان نزد خواننده ایجاد شود.» (Berman, 1995: 89).

نگاهی گذرا به برخی کارهای تحقیقی انجام شده در ایران^۸ بر روی تفکرات ترجمه‌شناسی آنتوان برمن نشان می‌دهد که بیشتر آن‌ها بخشی از کتاب *ترجمه و جزء یا بیتوته در دوردست* را اساس کار خود قرار داده‌اند، جایی که اتفاقاً برمن به توضیح سیزده گرایش ریخت‌شکن^۹ که عبارتند از: معقول‌سازی^{۱۰}، شفاف‌سازی^{۱۱}، اطناب^{۱۲}، تفاخرگرایی^{۱۳}، تضعیف کیفی متن^{۱۴}، تضعیف کمی متن^{۱۵}، یکسان‌سازی^{۱۶}، تخریب ضرب آهنگ متن^{۱۷}، تخریب شبکه معنایی زیرمتنی^{۱۸}، تخریب سیستم‌بندی‌های متن^{۱۹}، تخریب یا بومی‌کردن شبکه‌های زبانی محلی^{۲۰}، تخریب اصطلاحات^{۲۱}، محور روی‌هم‌نشینی زبان‌ها^{۲۲} می‌پردازد. ویژگی به ظاهر عملی این قسمت سبب اقبال محققین ما شده است درحالی که بررسی این «گرایش‌های ریخت‌شکن» بیانگر تمامیت اندیشه برمن برای ترجمه نیست.

آنتوان برمن می‌گوید که این گرایش‌ها توسط مترجم به شکلی «بسیار ناآگاهانه»^{۲۳} بر ترجمه تأثیر می‌گذارند و «مانع از رسیدن آن به هدف اصلی‌اش می‌شوند.» (Berman, 1999: 49). جستجوی این گرایش‌ها نزد مترجمان اگرچه به خاطر نمود نظری آن در برخورد اول جذاب می‌نماید، اما دستورالعملی برای چگونه ترجمه کردن نیست. بلکه در واقع و اساساً، نوعی استراتژی تخریب^{۲۴} است. تخریب آنچه که در ترجمه مانع بروز «حقیقت لفظ»^{۲۵} می‌شود.

واقعیت این اظهارنظر وقتی بیشتر دیده می‌شود که برمن خود در این کتاب قبل از این که به این گرایش‌ها بپردازد می‌گوید: «این مفهوم را از هایدگر وام می‌گیرم» (Berman, 1999: 26). اظهار نظری از اُزکی دِپره^{۲۶} هم در این مورد می‌تواند بیشتر به درک این واقعیت کمک کند که: «آنتوان برمن نقطه آغاز را نه آنچه که نباید انجام داد و نه آنچه که باید انجام داد بلکه آنچه که در حال انجام است می‌گیرد.» (Oseki-Dépré, 1999: 79)

پرسش و طرح مسئله

طبق آنچه که گذشت اگر بپذیریم که آنتوان برمن دستورالعملی برای ترجمه ارائه نمی‌دهد و در واقع به دنبال نظریه‌سازی یا (تئوریزه کردن) ترجمه نیست، به پارادوکسی در تفکر او می‌رسیم چون که دل مشغولی بسیار او را نسبت به ترجمه نمی‌توانیم توجیه کنیم. اما واقعیت این است که کار برمن مثل امتناع پی در پی مولانا از عنوان مطلق شاعری است که در قالب شعر تمام اندیشه‌اش را به مخاطب انتقال می‌دهد. برای نمونه به دو بیت آشنای مولوی اشاره می‌کنیم:

قافیه و مغلطه را گو همه سیلاب ببر
پوست بود پوست بود در خور مغز شعرا
یا

حرف و صوت و گفت را بر هم زنم
تا که بی این هر سه با تو دم زنم
برمن به قداست کلام باور دارد و از این رو دغدغه او جانِ جانِ سخن است. پس در راستای همین اندیشه و باور است که می‌بینیم:

الف- عامدانه خواننده را گمراه می‌کند؛

ب- عامدانه رازآلود و پوشیده در قالب استعاره سخن می‌گوید؛

پ- به دنبال مخاطب محرم و سخن شناس می‌گردد نه سخن دانِ صرف؛

ت- چون هدف او از ترجمه رسیدن به سرآغاز کلام که همان ذات الهی است و قداستی را که بدان اشاره شد منظور نظر دارد؛ پس خواننده را با باز خوانی اثر به بازگشت به اصل و سرآغاز فرا می‌خواند؛

ث- فشرده گو و فشرده نویس است؛

ج- در طول مسیر تفکر به دنبال یک هدف نهایی و علت غایی است که نام «پروژه» بر آن می‌دهد.

بنابراین با توجه به موارد و موانع یاد شده می‌توان گفت که شناخت برمن نیازمند عبور از این موانع است. به بیان دیگر، خواننده در مواجهه با او با یک اثر ژرف و دیرفهم روبروست که قبل از هر چیز نیاز به رازگشایی خواهد داشت.

پیشینه تحقیق

در زمینه شناخت دیدگاه‌های ترجمه‌شناسی آنتوان برمن مقالات و سمینارهای نسبتاً قابل توجهی به ویژه در فرانسه و کانادا ارائه و برگزار شده است^۱ که اساساً یا بر بخشی از کار او

1. BANDIA, Paul, « Le concept bermanien de l' "Étranger" dans le prisme de la traduction postcoloniale », in TTR, vol. 14, n° 2 (Antoine Berman aujourd'hui / Antoine Berman for our time), Montréal, ACT (Association Canadienne de Traductologie) à l'Université Mc Gill, 2001, pp. 123-139.
- BERMAN, Isabelle, « L'Attachement à une œuvre », in TTR, vol. 14, n° 2 (Antoine Berman aujourd'hui / Antoine Berman for our time), Montréal, ACT (Association Canadienne de Traductologie) à l'Université de Mc Gill, 2001, pp. 11-14.
- BRISSET, Annie, « L'identité culturelle de la traduction. En réponse à Antoine Berman », in Palimpsestes, n° 11 (Traduire la culture), Paris, Presses de la Sorbonne Nouvelle, 1998, pp. 31-51.
- BROWNLIE, Siobhan, « Berman and Toury: The Translating and Translatability of Research Frameworks », in TTR, vol. 16, n° 1 (Controverses en traduction / Controversy in Translation Studies), Montréal, ACT (Association Canadienne de Traductologie) à l'Université de Mc Gill, 2002, pp. 93-120.
- CHARRON, Marc, « Berman, étranger à lui-même ? », in TTR, vol. 14, n° 2 (Antoine Berman aujourd'hui / Antoine Berman for our time), Montréal, ACT (Association Canadienne de Traductologie) à l'Université de Mc Gill, 2001, pp. 97-121.
- DURAND-BOGAERT, Fabienne, « Pour oublier la langue. Antoine Berman, La Traduction et la Lettre ou l'Auberge du lointain. Henri Meschonnic, Poétique du traduire », in Critique, t. 56, n° 643, Paris, Minuit, 2001, pp. 1059-1069.
- GODARD, Barbara, « L'Éthique du traduire : Antoine Berman et le "virage éthique" en traduction », in TTR, vol. 14, n° 2 (Antoine Berman aujourd'hui / Antoine Berman for our time), Montréal, ACT (Association Canadienne de Traductologie) à l'Université de Mc Gill, 2001, pp. 49-82.
- GOUANVIC, Jean-Marc, « Ethos, éthique et traduction : vers une communauté de destin dans les cultures », in TTR, vol. 14, n° 2 (Antoine Berman aujourd'hui / Antoine Berman for our time), Montréal, ACT (Association Canadienne de Traductologie) à l'Université de Mc Gill, 2001, pp. 31-47.

تمرکز داشته‌اند و یا تلاششان بر این بوده که میزان کارآمدی دیدگاه‌های او را در حل مشکلات عینی ترجمه در بوته آزمایش قرار دهند اما این حقیقت از نظر دور مانده است که او هیچگاه در صدد این نبوده تا در نقش یک «تئوریسین ترجمه» ظاهر شود بلکه او را قبل از هر چیز باید خالق اثری با موضوع ترجمه پنداشت که در راستای تحقق بخشیدن به یک «پروژه» کاملاً از پیش تعیین شده پای در عرصه عمل نهاده است.

روش تحقیق

نگارنده با توجه به آشنایی نزدیک با آثار برمن و توفیق دسترسی به آثار چاپ شده و «چاپ نشده»^{۲۷} او از طریق مدیر بنیاد آنتوان برمن^{۲۸}، و با استناد به تجربه شخصی از بازخوانی‌های آثار و همچنین مقالات پراکنده او به‌عنوان کسی که جمع‌آوری آن‌ها را برعهده داشته اس^{۲۹}، برای نخستین بار در این گفتار به معرفی شش نکته «رازگشای» اولیه برای فهم اثر او می‌پردازد تا بدین طریق از نگاهی تقلیل دهنده که چنین اثر ژرفی را به چند «گرایش ریخت‌شکن» ترجمه محدود می‌کند مانع شود و راه را برای درک عمیق و درست تر آثار او هموار سازد.

بحث و بررسی

نکته راز گشای اول اینکه تمام آثار برمن، چه کتاب‌ها، چه مقالات و چه سمینارهای ارائه شده در کالج بین‌المللی فلسفه در پاریس^{۳۰} همگی در قالب یک «پروژه» عرضه شده‌اند. به دیگر سخن، ما در سیر تولیدات فکری برمن شاهد نوعی پیوستگی و هدفمندی از اولین نوشته‌ها تا آخرین اثر او که در بستر بیماری و در سه ماه آخر حیاتش به رشته تحریر درآورده است، هستیم. در یکی از دست‌نوشته‌های چاپ‌نشده او که به لطف همسرش، خانم ایزابل برمن^{۳۱}، در اختیار نگارنده قرار گرفت می‌خوانیم: «هنوز ترجمه را آغاز نکرده بودم که پیشاپیش می‌دانستم

LANE-MERCIER, Gillian, « Translating the Untranslatable: The Translator's Aesthetic Ideological and Political Responsibility », in Target, vol. 9, n° 1, Amsterdam/Philadelphia, John Benjamins Publishing Company, 1997, pp. 43-68.

-, « Le travail sur la lettre : politique de décentrement ou tactique de réappropriation ? », in TTR, vol. 11, n° 1 (Diachronie et synchronie / Diachronics and Synchronic), Montréal, ACT (Association Canadienne de Traductologie) à l'Université de Mc Gill, 1998, pp. 65-88.

ترجمه برای من معرفِ میل، هدف و پروژه است.» (*Les inédits*). و جالب آنکه برمن ظهور این میل را در همین دست نوشته به دوران پایان دبیرستان خود یعنی دوران نوجوانی نسبت می‌دهد: «هنگام اتمام دبیرستان بود که میل به ترجمه در من شکل گرفت؛ و در نتیجه در طلب انجام آن، مجلدانه به آموختن زبان‌های بیگانه پرداختم (چون که بضاعت دبیرستانی من در این خصوص بسیار ناچیز بود).» (*Les inédits*).

مارتین برُد^{۳۲}، یکی از محققین فقید «مرکز ملی تحقیقات علمی»^{۳۳} فرانسه در مقاله‌ای با عنوان شایسته «برمن یا عشق به ترجمه»^{۳۴} نه تنها بر اصطلاح «پروژه» که ذکر آن گذشت اشاره می‌کند بلکه بر ضرورت بازخوانی آثار او در کلیتش نیز تاکید می‌ورزد: «اگر فقط پای آثار مکتوب برمن در میان باشد، قبل از هر چیز مهم است که بگوییم - و قاطعانه هم بگوییم - برای کسی که آن را در کلیتش بازخوانی می‌کند واضح است که هیچ نوع پیش فرضی وجود ندارد، بر خلاف نقطه پایان ناعادلانه‌ای که مرگ بر آن نهاده است.» (Broda, 1999: 68).

اما آنچه که باید از این نکته رازگشا دریافت این است که اگر بپذیریم خط سیر فکری برمن از آغاز تا واپسین لحظات زندگی بریک «پروژه» استوار بوده است، پس خواننده او باید از وجود تمامی کارهای این نظریه پرداز آگاهی داشته باشد و او را در این مسیر دنبال کند. لذا عدم اطلاع از آنچه که باید «صفحات گم شده»^{۳۵} نوشته‌هایش نامید مانعی برای درک دقیق او خواهد بود.

نکته رازگشای دوم که ما را در فهم دقیق تر برمن یاری می‌کند، دقت در زبان استعاری اوست. نکته‌ای که خود به نوعی می‌تواند یکی از دلایل بازخوانی‌های مکرر او باشد. چون در این بازخوانی‌هاست که حقیقت زبان استعاری وی آشکار می‌شود و خواننده‌ای که به یک بار خواندن اثر او بسنده کند یقیناً از این حقیقت غافل خواهد شد. اشارات استعاری او به صورت ناگهانی و در جاهایی دور از انتظار دیده می‌شود. به عنوان مثال، در کتاب *به سوی نقد ترجمه‌ها*: ژن دُن که به نقد ترجمه شعری از این شاعر انگلیسی^{۳۶} قرن نوزدهم اختصاص دارد، با جمله کوتاهی: «ما از آغاز آغاز می‌کنیم» (Berman, 1999: 167)، نقد خود را شروع می‌کند، جمله‌ای که در ادامه خواهیم دید ریشه در تفکر ذات‌گرای^{۳۷} او دارد.

زبان استعاری او همچنين گاه در قالب کلماتی به شکل ایتالیک و گاه به صورت «جملات معترضه»^{۳۸} جلوه‌گر می‌شوند. در تفسیر او از «رسالت مترجم»^{۳۹}، متن بنیادین و بسیار پراهمیت والتر بنیامین^{۴۰}، فیلسوف، منتقد و نظریه‌پرداز آلمانی، در حالی که به بسط موضوع دیگری مشغول است ناگهان جمله «مرگ نیز اینجاست، آرزوی من، انتظار من» را می‌نویسد (Berman, 2008: 74). بنابراین پیداست که خواندن برمن تمرکز و دقت زیادی می‌طلبد. آل بستن در مقاله‌ای درباره‌ی برمن نقل قولی از یک مترجم برزیلی می‌آورد که کتاب *تجربه بیگانه* را ترجمه کرده و به ما توصیه می‌کند که در مواجهه با اثر برمن: «باید او را دقیق خواند. به ویژه «لفظ به لفظ» خواند. یعنی خیلی نزدیک به متن تا غنایش از دست نرود». (L.Bastin, 2001: 185). خلاصه اینکه دقت در زبان استعاری برمن میانبری است که کار ما را در رازگشایی از پیچیدگی‌های تفکر او سرعت می‌بخشد.

نکته رازگشای سوم در فهم برمن دانستن این واقعیت است که او قبل از همه یک فیلسوف است و طبیعتاً در جستجوی یافتن معنایی برای هستی. با این تفاوت که در نظرا و مسیر دستیابی به این معنا از ترجمه می‌گذرد؛ هرچند فهم این مسئله برای ما ناآشنا و دشوار باشد. سخن خودش در این باره در یکی از مقالات بسیار مهم و معروفش با عنوان «ماهیت افلاطونی ترجمه»^{۴۱} روشن‌گر است که می‌گوید: «می‌توان گفت که ما با ترجمه در حال تحقق ذات فلسفیدن در حوزه زبان و آثار هستیم.» (Berman, 1986: 64). البته به نظر گاهی برای تلطیف قاطعیت چنین دیدگاهی از اصطلاحاتی نظیر «قربان ذاتی»^{۴۲} یا «رابطه‌ای بسیار کهن»^{۴۳} (Berman, 1999: 18-19) بین فلسفه و ترجمه سخن به میان می‌آورد. رد پای فلسفه در اثر برمن آنچنان آشکار است که نظریه پردازان چون هانری مشونیک^{۴۴} در ترجمه شناسی او نوعی «خلط فلسفی» می‌بیند. (Meschonnic, 1999: 63).

بدین ترتیب می‌توان دریافت که بین نظریه پردازان که هدفش از ترجمه - چه آن را تحقق پذیرد یا ندانیم - دست یافتن به معنای جهان هستی است با نظریه‌پردازانی که برای مترجم حرفه‌ای دستورالعمل تجویز می‌کند تا در قبال آن شاید مزد و پاداش بیشتری دریافت کند، تفاوت بسیار زیادی وجود دارد.

حال به اظهار نظر هم طراز صاحب نام او در زمینه دانش ترجمه‌شناسی یعنی ژان-ژرنه لدمیرل^{۴۵} استناد می‌کنیم که با تعریف خط سیرفکری او به عنوان «خط سیری در راستای تفکر ذات‌گرای هایدگر» (Ladmiral, 1995 : 103) و معرفی گفتمان او در سمینارهای ترجمه‌شناسی‌اش در دانشگاه‌های پاریس به عنوان «گفتمانی پساهایدگری»^{۴۶} ما را یک گام بیشتر به شناخت او نزدیک می‌کند، زیرا اگر هایدگر، چنانکه همگان می‌دانیم، فیلسوفی است که دغدغه‌اش پرسش از ذات هستی است، در مواجهه با برمن نیز ما با فیلسوفی سر و کار داریم که معنای هستی را در شناخت ذات آن می‌داند.

در یکی از اولین مقالات ناشناخته‌اش با عنوان «مته و ارتباط»^{۴۷}، که حاصل اقامت پنج‌ساله‌اش در کشورهای آمریکای لاتین است، به توصیف یکی از رسوم رایج اهالی این مناطق که افراد در آن به صورت دسته‌جمعی به کشیدن علفی به نام «مته» مشغول می‌شوند می‌پردازد. جمله‌ای در این مقاله نه تنها استعاری بودن زبان او را بلکه تفکر ذات‌گرایش را نیز آشکار می‌کند: «من ذات علف را از خود علف می‌چشم [...] هنگامی که مته را می‌کشم، اگر دقیق و حساس باشم، دهانم را بر زمین می‌گذارم [...] در عمل مته کشیدن، دهان من زمین را می‌شنود.» (Berman, 1975: 814).

اکنون با پذیرفتن این واقعیت که «در آغاز کلمه بود و دیگر هیچ»^{۴۸} به عنوان اعتقادی راسخ نزد برمن غیرقابل انکار است می‌توان استنتاج کرد که بنیاد هستی‌ای که برمن در پی آنست، بنیادی کلامی است. لذا در نگاه او زبان به عنوان واقعیتی مقدس و به تبع آن مقوله ترجمه واقعیتی دارای «رسالت» تعریف می‌شود. آشکارا می‌توان عطش و آرزو را به عنوان یک اعتقاد در اولین نوشته‌هایش دید و خواند که می‌گوید: «اینجا اولین کلام چه خواهد بود؟ مضطربانه به این کلام آغازین می‌اندیشم و منتظرش هستم، به ظهور ناگهانی کلام و نام.» (Berman, 1969: sans pagination)

نکته رازگشای چهارم برای درک دقیق آثار برمن آگاهی از برداشت او درباره زبان است که بدانیم زبان یک واقعیت قطعه‌قطعه (fragmenté) است. به عبارت دقیق‌تر، هستی‌ای که بنیاد آن کلام است و ماهیتی کلامی دارد، قطعه‌قطعه نیز هست. کافی است به بسامد واژه «قطعه»^{۴۹} و استفاده از افعال و صفات و اسامی‌ای که در زبان فرانسه با این مفهوم در ارتباطند (مانند *se*

atome saccadé disperser)، و در قلم او می‌آیند توجه کنیم (90 : Berman, 2008)؛ و همچنین به استعاره معروف «کوزه شکسته»^{۵۰} و الترنیامین هم بیندیشیم که زبان‌ها را قطعات شکسته‌ای از یک «زبان مادر»^{۵۱} می‌داند. اشاره به استعاره بنیامین از این جهت راهنماست که بر من متفکری است که از او عمیقاً متأثر است و در واقع خط سیر فکریش به نوعی ادامه سیر تفکر اوست. این تأثیرپذیری را در اظهار نظر او در رابطه با اثر معروف بنیامین یعنی «رسالت مترجم»^{۵۲} به سهولت می‌توان دریافت که بیان می‌دارد: «شاید در هر سده‌ای بیش از یک متن از این دست آفریده نشود: متنی غیرقابل‌گذر، که هر تفکر دیگری در باب ترجمه، باید از آن آغاز شود، ولو اینکه بخواهد به ضدیت با آن برخیزد.» (Berman, 1999: 11).

بنابراین، اگر استنباط بر من از زبان استنباطی قطعه‌قطعه است، می‌توان به راحتی دلیل موضع محکم و مشخص او را در جدال دیرینه بین طرفداران لفظ و معنا فهمید، یعنی طرفداری از لفظ به مثابه یک قطعه زبانی که آشکارا و با صراحت در اولین صفحات یکی از کتابهایش بیان می‌شود: «ما از اصل زیر آغاز می‌کنیم: ترجمه ترجمه لفظ است، ترجمه متن به مثابه لفظ.» (Berman, 1999: 25) کما اینکه او در همین کتاب اشاره می‌کند که «بین واژه و لفظ اختلاطی وجود دارد.» (Berman, 1999: 13).

نکته رازگشای پنجم این که ما در برخورد با بر من در واقع با انسانی رومانیک مواجه هستیم. هر چند وی به خاطر حفظ ماهیت گفتمان «تئوریک»، روحیه رومانیکش را در آثار متاخرش کمتر بروز می‌دهد اما اولین ترجمه‌های خود را با آثار فیلسوفان رمانتیک آلمان نظیر نوالیس^{۵۳} و اشگل^{۵۴} آغاز می‌کند و اولین نوشته‌هایش نیز که در قالب نشر شاعرانه^{۵۵} نوشته‌اند، حال و هوایی دل‌انگیز و شاعرانه دارند. کافی است مقاله او را با عنوان «نامه‌هایی به فؤاد آل-اتر»^{۵۶}، که در سال ۱۹۶۸ در مجله *دل‌دلیران*^{۵۷} به چاپ می‌رسد و مخاطب آن هم دبیرستانی لبنانی اوست خواند تا به حساسیت فوق‌العاده و عطش و بی‌تابی روحش که در جستجوی نامتناهی است، پی‌برد. در این بخش از گفتار به خاطر عدم دسترسی به این نامه‌ها به ویژه برای مخاطب ایرانی دو جمله برجسته‌تر از آنها را نقل می‌کنیم:

جمله اول: «قلب زایای به عشق بیدار، آن هنگام که روی‌گردان از تمامی چیزهای عجیب موجود- خود را در می‌یابد - خود را به موضوعی ایده‌آل بدل می‌کند- زاده می‌شود - تمامی

گرایش‌ات عجیب در یک چیز به هم گره می‌خورند - که موضوع شگفت‌آورش موجودی فراتر است - یک الوهیت.» (Berman, 1968: 88).

جمله دوم: « ما دیگر راز این قانون گذرآسمانی را که به دلخواه امکان عروج یا هبوط را با زنجیره‌ای از اندیشه‌های مثبت و منفی فراهم می‌آورد، در دست نداریم تا جامعه‌ای صمیمی از متناهی و نامتناهی، یعنی ساختارزیبای جهان را بنا کنیم.» (Berman, 1968: 99).

همانگونه که زیرعنوان کتاب *تجربه بیگانه* یعنی فرهنگ و ترجمه در آلمان رومان‌تیک: هردر، گوته، نوالیس، هومبولت، اشلایر، ماخر، هولدرلین^{۵۸} نیز نشان می‌دهد، برمن استدلال‌های خود را برنگاه رومان‌تیک‌های آلمان و سپس بنیامین بنا می‌نهد که به گفته خود او «نگاهش به ترجمه را می‌توان تعمیق شهودات نوالیس و اشگلگ تلقی کرد» (Berman, 1994: 41) تا بتواند پس از آن دیدگاه‌های ترجمه‌شناختی خود را عرضه کند. کوتاه سخن آنکه انتخاب رمانتیک‌ها از سوی برمن، پیش از آنکه دست‌آویزی «تئوریک» برای ارائه دیدگاه‌های او باشد مرهمی بر روح رمانتیک خود اوست که گریزان از هرعامل محدودگر در جستجوی وسعت و بی‌کرانگی است تا مسیر دستیابی به ذات و بنیاد هستی را برایش هموار سازد. تعریف خود او از روح رمانتیک گویای این ادعاست که: «روح رمانتیک به روی همه چیز به شکل نامتناهی باز بود و اول از همه به دوردست، به ناشناخته، به عمیق...» (Berman, 1968: 95)

و اما باید پرسید آگاهی از این نکته چه کمکی به خواننده در «رازگشایی» اثر او خواهد کرد؟ پاسخ اینکه فهم این نکته، همچون آگاهی از زبان استعاری او درک پیچیدگی‌های اندیشه او را آسانتر می‌کند؛ چون این روحیه رمانتیک اساس و آبشخوری برای ساختن بسیاری از مفاهیمی می‌شود که در اثر او به چشم می‌خورد. به‌عنوان مثال، می‌توان تجلی این روحیه را در یکی از تعریف‌هایی که از کلمه ترجمه می‌دهد دید که می‌گوید: «منطقی است که کاری که هدفش گشایش است خود گشوده باشد.» (Berman, 1995: 87)، و یا هنگامی که در باره «مفهوم افق»^{۵۹} این چنین توضیح می‌دهد: «می‌خواهم با مفهوم افق، از عملکردگرایی یا "ساختارگرایی" که مترجم را به "رابطی" کاملاً مشخص از دیدگاه اجتماعی - ایدئولوژیکی تقلیل می‌دهد و علاوه بر این، آنچه را که واقعی است به سلسله‌ای از قوانین و سیستم‌ها ارجاع می‌دهد، بگریزم.» (Berman, 1995: 8)

نکنه راز گشای ششم دریافت «دغدغه مذهبی» اوست. البته باید یاد آور شد که مذهب در نگاه وی، طبق گفته خودش یعنی «هرآنچه که به پیوند انسان با تمامیت هستی مرتبط است» (Berman, 2008 : 128-129) تعریف می‌شود و استنباط او از مذهب، همانطور که در یکی از مقاله‌هایش با عنوان «سنت - انتقال - ترجمه»^{۶۰} مطرح می‌کند، با مفهوم «رجعت» و «بازگشت» همراه است. مفهومی که او با توقف بر روی ریشه‌شناسی فعل *religare* در زبان لاتین و با نقل قولی از هانا آرنه^{۶۱} که می‌گوید: «مذهبی بودن به معنای مرتبط بودن با گذشته بوده است» (Berman, 1988 : 86)، به ذهن خواننده القا می‌کند. مضافاً اینکه تاکیدهای او با تفکیک پیشوند «re» با خط تیره درواژه‌های «خوانش دوباره»^{۶۲}، «ترجمه دوباره»^{۶۳}، «بازگشت دوباره»^{۶۴}، همگی از همین استنباط او سرچشمه می‌گیرند.

حال اگر به تمام آنچه که گذشت نظری دوباره بیندازیم، درمی‌یابیم که جستجوی آن بنیاد، آن ذات و آن کلام آغازین، شکل تلطیف‌یافته و دقیق‌تر آن نزد آن‌توان بر من حالتی است که ما آن را «دغدغه مذهبی» می‌نامیم. دغدغه‌ای که او را این چنین پرشور و مصمم و با تکیه بر یک «پروژه» به سمت ترجمه می‌کشاند. در لابه‌لای تفسیری که او از متن والتر بنیامین ارائه می‌دهد می‌خوانیم که: «حیات "مذهب" چنان وابستگی تنگاتنگی با ترجمه دارد که نمی‌توان آن را بدون ترجمه تصور کرد، و حیات ترجمه نیز چنان وابستگی تنگاتنگی با مذهب دارد که در تمام ترجمه‌های "بزرگ" بنیادی مذهبی دیده می‌شود.» (Berman, 2008: 127). کلماتی نظیر «علو»، «یگانگی»، «باری تعالی»، «خیلی تاریک»، «مقدس»، «مطلق»، «جاودان»، «غیر معمول»، «ناپیدا»، «ناشناخته»، «غیر قابل دریافت»، «نامتناهی»، «ناندیشیدنی»، «غیر متعارف»، «نامحدود»، «غیر مسموع»^{۶۵} و... که در آثار اولیه او بسامد بالایی دارند و در آثار متأخرش نیز به شکلی پنهان حضور دارند، نمی‌تواند چیزی غیر از بیان این دغدغه باشد.

نتیجه

در انتهای کلام با نگاهی کلی می‌توان گفت که پیچیدگی ذاتی اندیشه برمن، نیاز اثرش به بازخوانی‌های مکرر، پراکندگی و دوراز دسترس بودن مقالات او و «گمراه کردن» عامدانه خواننده از سوی او یا همان «پرده‌پوشی» بخشی از واقعیت‌هایی هستند که رابطه خواننده را با

آثار وی به رابطه‌ای سطحی بدل می‌کند. اما با شناخت و آگاهی از شش نکته «رازگشا» برای فهم او از جمله:

۱. مبتنی بودن خط‌سیر فکر او بر «پروژه‌ای» که پیدایش آن به دوران دبیرستان او باز می‌گردد و تا آخرین لحظه حیاتش به آن وفادار است؛
۲. آگاهی از زبان استعاری او که در مواقعی دور از انتظار خواننده را غافلگیر می‌کند و حامل بار معنایی زیادی است؛
۳. نگاه فلسفی او که در تلاش است معنا و مفهوم هستی را از طریق ترجمه دریابد؛
۴. استنباط او از زبان به‌عنوان واقعیتهای قطعه‌قطعه که در دیدگاه او به ترجمه به‌عنوان یکی از مدافعین بی‌چون و چرای لفظ تجلی پیدا می‌کند؛
۵. خلق و خوی رمانتیک او که در جستجوی نامتناهی تلاش دارد از هرمانع محدود سازی بگریزد و در قالب زبان استعاری زیربنای بسیاری از مفاهیم و موضع‌گیری‌هایش می‌شود؛
۶. دغدغه مذهبی او که به شکل اعتقاد به جهانی «رجعت‌پذیر» نمود می‌یابد و بازگشت به آغاز جهانی که ماهیت کلامی دارد را از طریق ترجمه میسر می‌کند، می‌توان از قضاوت‌های عجولانه دوری جست و با نگاهی نو به لایه‌های عمیق‌تری از آثار وی دست یافت. نگارنده در این مقاله تنها به معرفی شش نکته بسنده و نکات بعدی را به فرصتی دیگر موکول می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

1. Antoine Berman
2. *L'Épreuve de l'étranger*
3. *La traduction et la lettre ou l'auberge du lointain*
4. *Pour une critique des traductions : John Donne*
5. Michel Volkovitch
6. Gallimard
7. Paul Ricoeur (1913-2005)

۸. به عنوان مثال به دو عنوان زیر اشاره می‌کنیم :

• دلشاد، شهرام؛ مسبوق، سید مهدی؛ بخشش، مقصود؛ « نقد و بررسی ترجمه شهیدی از نهج البلاغه بر اساس نظریه "گرایش‌های ریخت شکنانه" آنتوان برمن»، «مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ - شماره ۴، صص 99-120».

• مسبوق، سیدمهدی؛ گلزار خجسته، ابوذر؛ « واکاوی ترجمه پورعبادی از حکمت‌های رضوی بر اساس سیستم تحریف متن آنتوان برمن»، فرهنگ رضوی، پاییز ۱۳۹۶ - شماره ۱۹، صص 105-122.

9. Tendances déformantes

10. Rationalisation

11. Clarification

12. Allongement

13. Ennoblement

14. Appauvrissement qualitatif

15. Appauvrissement quantitatif

16. Homogénéisation

17. Destruction des rythmes

18. Destruction des réseaux signifiants sous-jacents

19. Destruction des systématismes

20. Destruction ou l'exotisation des réseaux langagiers vernaculaires

21. Destruction des locutions

22. Effacement des superpositions de langues

23. Largement inconscient

24. Destruction

25. Vérité de la lettre

26. Oseki-Dépré

27. « Les inédits d'Antoine Berman »

۲۸. Association d'Antoine Berman: « بنیاد آنتوان برمن » بنیادی است که در ۵ دسامبر ۱۹۹۷ با ده

عضو به مدیریت خانم ایزابل برمن (Isabelle Berman) در پاریس دایر گردیده وهدف آن گردآوری

وچاپ آثار غیر مطبوع آنتوان برمن وادامه کار او ازخلال برگزاری سمینارهاست. اعضای این بنیاد که برخی

ازآنها امروز دیگر در قید حیات نیستند، عبارتند از: ژک دریدا (Jacques Derrida) - ایوبن فوا

(Yves Bonnefoy) - ژان-کریستف بیلی (Jean-Christophe Bailly) - ژان-میشل ره (Jean-

Michel Rey) - میشل دگی (Michel Deguy) - آنی بریسه (Annie Brisset) - پیرگریس

(Pierre Leyris) - برونویین (Bruno Bayen) - پل بنسیمن (Paul Bensimon).

۲۹. مجموعه کارهای انجام شده بر روی آثار برمن تا سال ۲۰۰۹ طی مقاله ای با مرجع زیرتوسط نگارنده به

چاپ رسیده است.

Farrokhi, M. (2009) « Les œuvres complètes d'Antoine Berman. Étude bibliographique », in *Équivalences*, n° 36/1-2, Bruxelles, Institut Supérieur de Traducteurs et Interprètes, pp. 183-197.

30. Collège international de Philosophie

31. Isabelle Berman
32. Martine Broda (1947-2009)
33. CNRS (Centre National des Recherches Scientifiques)
34. « Berman ou l'amour de la traduction »
35. Pages perdues
36. John Donne
37. Essentialiste
38. Digressions
39. « La tâche du traducteur »
40. Walter Benjamin (1892-1940)
41. « Essence platonicienne de la traduction »
42. Proximité d'essence
43. Un très vieux lien
44. Henri Meschonnic (1932-2009)
45. Jean-René Ladmiral
46. Discours postheideggérien
47. «Maté et communication »
48. Au commencement, était le Verbe ...
49. Fragment
50. Amphore brisée
51. Langue mère
52. « La tâche du traducteur »
53. Novalis (Georg Philipp Friedrich, Freiherr) - (1772-1801)
54. Schlegel (Karl Wilhelm Friedrich von Schlegel) - (1772-1829)
55. Prose poétique
56. « Lettres à Fouad El-Etr »
57. La Délirante
58. Culture et traduction dans l'Allemagne romantique : Herder, Goethe, Novalis, Humboldt, Schleiermacher, Hölderlin
59. Concept d'horizon
60. « Tradition-Translation-Traduction »
61. Hanna Arendt (1906-1975)
62. Re-lecture
63. Re-traduire
64. Re-tourner
65. Elévation, unité, le très-haut, le très-obscur, sacré, absolu, éternel, inhabituel, invisible, inconnu, inconcevable, infini, impensé, insolite, illimité, inaudible, ...

کتابنامه

- Berman, A. (1967). « La tâche de la Poésie est simplement », in revue *La Délirante*, n° 1, Paris, pp. 69 -79.
- . (1968). « Lettres à Fouad El-Etr sur le Romantisme allemand », in revue *La Délirante*, n° 3, Paris, pp. 85 -117.
- . (1969). « Il faut retrouver avec le théâtre... », in *Les Cahiers d'Aran*, n° 1, Paris, éd. Le Théâtre d'Aran, sans pagination.
- . (1969). « Les mains », in *Les Cahiers d'Aran*, n° 1, Paris, éd. Le Théâtre d'Aran, sans pagination.
- . (1975). « Maté et communication », in *Esprit* (nouvelle série), n° 452, Paris, Le Seuil, pp. 809-815.
- . (1985). « Vérité de la traduction – vérité de la philosophie », in *Le cahier du collège international de philosophie*, n° 1, Paris, Osiris, pp. 40-41.
- . (1986). « L'essence platonicienne de la traduction », in *Revue d'esthétique* (nouvelle série), n° 12 (*La traduction*), Toulouse, Privat, pp. 63-73.
- . (1988). « Tradition-Translation-Traduction », in *Poésie*, n° 47, Paris, Librairie Classique Eugène Belin, pp. 85-98.
- Berman, A. (1994). *L'épreuve de l'étranger - Culture et traduction dans l'Allemagne romantique: Herder, Goethe, Schlegel, Novalis, Humboldt, Schleiermacher, Hölderlin* [1^{ère} éd. 1984, coll. « Les Essais », Paris, Gallimard, coll. « Tel ».
- . (1995). *Pour une critique des traductions : John Donne*, Paris, Gallimard, coll. « Bibliothèque des Idées », « Note de l'éditeur » par Isabelle Berman.
- . (1999). « L'Âge de la traduction : " La tâche du traducteur " de Walter Benjamin, un commentaire », in BRODA, Martine (sous la dir. de), *La Traduction-poésie - À Antoine Berman*, Strasbourg, Presses Universitaires de Strasbourg, pp. 11-37.
- . (2001). « Au début était le traducteur », in *TTR*, vol. 14, n° 2 (*Antoine Berman aujourd'hui / Antoine Berman for our time*), Montréal, ACT (Association Canadienne de Traductologie) à l'Université de Mc Gill, pp. 15-18.
- Benjamin, W. (1971). « La tâche du traducteur », in *Œuvres. I. Mythe et violence*, trad. Maurice de Gandillac, Paris, Denoël / Les Lettres Nouvelles, pp. 261-275.
- Broda, M. (1999). « Berman ou l'amour de la traduction », in BRODA, Martine (sous la dir. de), *La Traduction-poésie - À Antoine Berman*, Strasbourg, Presses Universitaires de Strasbourg, pp. 39-48.
- Farrokhi, M. (2009) « Les œuvres complètes d'Antoine Berman. Étude bibliographique », in *Équivalences*, n° 36/1-2, Bruxelles, Institut Supérieur de Traducteurs et Interprètes, pp. 183-197.
- Ladmiral, J.R (1995). « Rapport de synthèse pour L'Habilitation à diriger des recherches », thèse soutenue à l'Université Paris X-Nanterre, sous la direction de Michel Arrivé et sous la présidence de Paul Ricœur [texte inédit].

- L. Bastin, G. (2001). « L'impact d'Antoine Berman sur la traductologie en Amérique latine : une enquête », in *TTR*, vol. 14, n° 2 (*Antoine Berman aujourd'hui / Antoine Berman for our time*), Montréal, ACT (Association Canadienne de Traductologie) à l'Université de Mc Gill, pp. 181-194.
- Mallet, N. (1995). Compte rendu de *L'épreuve de l'étranger* (Antoine Berman, 1995), in *TTR*, vol. 8, n° 2, Montréal, Les Presses de l'Université de Montréal, pp. 275-279.
- Meschonnic, H. (1999). *Poéti que du traduire*, Lagrasse, Verdier.
- Novalis, F. von H. (1967). « Fragments sur la poésie », trad. de l'allemand par Antoine Berman, in revue *La Délirante*, n° 1, Paris, pp. 33-52.
- Oseki-Dépré, I. (1999). *Théories et pratiques de la traduction littéraire*, Paris, Armand Colin, coll. « U. Lettres ».
- Rao, S. « Les altérités en conflit : l'éthique bermanienne de la traduction à l'épreuve de l'Étranger lévinassien », in *TranscUlturAl* [revue électronique], disponible sur : <http://ejournals.library.ualberta.ca/index.php/TC>.
- Ricœur, P. (2004). *Sur la traduction*, Paris, Bayard.
- Volkovitch, M. (Archives 2003-2008). « Berman et les siens », disponible sur : www.volkovitch.com, Carnet du traducteur, sans pagination.